

مخاطب / آینده / متن

● شهرام پور رستم

را می‌آفریند، گفتار یا سخن‌هایی که از ما صادر می‌شود؛ است. اتفاقی می‌افتد که هزار سال با آن آشنایی داریم؛ هر چه می‌اندیشیم علیت را در نمی‌یابیم. راحت‌ترین تسکین، اعتقاد به تناسخ می‌شود تا قال قضیه کنده شود. در حالی که در گذشته، سخنی را ناخواسته و ناخوانده به زبان آورده‌ایم که نمودش را بعدها در اتفاقی که می‌افتد؛ مشاهده می‌نماییم. از آن جا که سخن - به ویژه سخنی که در به زبان آورده گی به زمان حال و دقیقاً لحظه‌ی وقوع خویش - اتکا می‌نماید و در ناخوانده گی در ناخودآگاه شخص رسوب می‌کند؛ به نظر می‌رسد هزار سال با آن آشنایی داریم. شخص به پذیرش تناسخ راضی می‌شود.

حال ممکن است این پرسش پیش بیاید که یک متن، با زمان مرکزی حال، از زمان فرعی گذشته، نیز برخوردار باشد چگونه می‌تواند با حضور زمان گذشته در متن، از خصلت ابتکاری رمزگشایی آینده برخوردار گردد؟ اگر متن برای خوانش آینده‌ی مخاطبش، بخواهد در خویشتن، از زمان فرعی گذشته به زمان مرکزی حال، حرکت داشته باشد؛ به دلیل زمانی شروعی متن - منظور الزاماً ورودی متن نیست - که در ناخودآگاهی، پایه و Base متن قلمداد می‌شود زمان فرعی گذشته به زمان مرکزی، تبدیل می‌شود و متن در گذشته در جا می‌زند.

حال اگر متن از زمان مرکزی حال - زمان شروعی - به زمان فرعی گذشته حرکت نماید نمودهای «گذشته» را به گونه‌ای شناور و ارگانیک، هضم می‌کند و خواهد توانست با حفظ مرکزیت، در خودش استقرار بیابد تا رمزگشایی آینده‌ی مخاطب خاص امکان پذیر شود.

متن‌هایی در آینده اتفاق می‌افتند به عنوان مثال حالا که ۲۰۰۹ میلادی است، متنی نوشته شود که در ۲۰۱۰ میلادی در حال وقوع باشد. به یک حدس بوده گی منجر می‌شود و از سویی دیگر چنین متن‌هایی هم لازم است از زمان مرکزی حال در خود برخوردار باشند تا مخاطب خاص، آینده را دریابدش.

خورخه بورخس، در تعریف «شانس» می‌گوید: «جهل ما از دستگاه پیچیده‌ی علیت که جهان است.» حال اگر یک متن، دستگاه پیچیده‌ی از علیت‌ها باشد انرژی نهفته در واژه‌ها، سطرها و شکل اجرایی متن، می‌تواند به دست مخاطب خاص، آزادی بیابد. در این هنگام مخاطب خاص رویاروی هر متن، اثر، نوشتار و حتی رویاروی نوشته‌ای که هنوز خام است و بی‌اجرا، آینده‌ی خصوصی‌اش را بیابد. با همه‌ی این‌ها، متن باید چه مشخصه‌ای داشته باشد که آینده‌ی مخاطب خاص را برایش بگشاید؟ البته این خصلت، به شکل قطعیت یافته‌ای به معنای از

اگر متن برای خوانش آینده‌ی مخاطبش، بخواهد در خویشتن، از زمان فرعی گذشته به زمان مرکزی حال، حرکت داشته باشد؛ به دلیل زمانی شروعی متن - منظور الزاماً ورودی متن نیست - که در ناخودآگاهی، پایه و Base متن قلمداد می‌شود زمان فرعی گذشته به زمان مرکزی، تبدیل می‌شود و متن در گذشته در جا می‌زند.

آینده نیست. تنها رمزگشایی زمان «حال» مخاطب خاص می‌تواند راهگشای آینده باشد. چرا که همه چیز با یکدیگر مناسبت دارند و مخاطب خاص، با ضریب هوشی، دانایی و توان مندی‌هایش، مناسب خصوصی‌اش را با متن و یا بالعکس کشف و ردیابی می‌ناید و به گونه‌ای همذات پنداری در آینده مستقر شده، همساز می‌شود.

در حاشیه‌ی متنی که پیش روی شماست، به همین شیوه می‌توان تناسخ را مردود اعلام نمود. یکی از مواردی که آینده‌ی خصوصی‌مان

اکثریت قریب به اتفاق جوامع - به ویژه جوامع ادبی - متن‌های خواننده‌ای را به خاطر می‌آورند که به گونه‌ای ناخودآگاه، خاطره یا تجربه‌ای از آن‌ها را با شباهت بسیار یا حتی منطبق بر آن تقریر نموده‌اند. مخاطب عام از متن، انتظار آینه شدن را دارد تا بتواند گذشته‌اش را در آن ببیند. از اینجاست که گذشته‌ی بسته‌بندی شده در متن، همذات پنداری بسته بندی شده‌ی ارمان می‌آورد که مخاطب خودش را در گذشته متوقف می‌نماید. همه‌ی اینها، زایشگر حسرت و عقده‌های فردشناختی، روان شناختی و جامعه شناختی اند. البته این به اتفاق متن نیست؛ در هنرها و رسانه‌های دیگر هم قد علم نموده است. تلویزیون‌ها، سریال‌هایی که به نمایش می‌گذارند؛ در گذشته‌های دور، در دل تاریخ ملی یا جهانی اتفاق می‌افتند و بیشتر از آن که رهنمود حال و آینده باشند، مخاطب را تنها به شناخت تصویری تاریخ می‌رسانند.

این شئون اکثریت قریب به اتفاق متن‌ها را وا داشته‌اند، در یک واپس ماندگی تعمدی، متنیت خود را از دست بدهند و کسرو شده در گذشته پردازای باقی بمانند.

امروزه مخاطب خاص با توجه به نقش فزاینده‌ای که رویاروی متن، در متن به خود می‌گیرد تا جایی که تبدیل به یک مولف مجدد برای متن می‌شود - متن را به منابه‌ی دریچه‌ای به سوی آینده‌ی ناشناخته‌ی خصوصی‌اش می‌انگارد تا از گذشته‌ی متن و گذشته‌ی مخاطب بودنش بگریزد. برای این عزم فاتحانه - حال می‌توانیم همه چیز جهان رویاروی مخاطب خاص را متن بیانگریم - متن لازم است خاصیتی بنیادی برخوردار باشد که همانا زمان مرکزی متن، در حال اتفاق افتادن است. البته بنیادی بودن این گونه‌ای متن، به معنای تغییر ناپذیری نیست چرا که مرکزیت زمانی، در حال صورت می‌پذیرد و در هر لحظه قابل تغییر است.